

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیرى
۲۷ نومبر ۲۰۱۹

چگونگی نابودسازی سرخپوستان، دهشتناکتر از هر نسل کشی

سرخپوستان (جمعیت بومی آمریکا) به واسطه لشکر فاتحان سرزمینها و دیگر جنایتکارانی که ایالات متحده و کانادا هنوز هم آنها را قهرمان ملی خود حساب می کنند، تقریباً به طور کامل نابود گردیدند...

سکوت در مقابل کشتار بومیان شجاع به سبب تعلق ملی آنها در امریکای شمالی بسیار ناگوار است. از هولوکاست یهودیان همه آگاهند، از هولوکاست سرخپوستان چه... جامعه دموکرات بر آن چشم فرو بست. این، یعنی همان نسل کشی! مردم را فقط به این دلیل که آنها سرخپوست بودند، می کشتند! نیم قرن پس از کشف امریکا جمعیت بومی را به طور کلی آدم حساب نمی کردند. در حقیقت، سرخپوستان را بر اساس این که در کتاب مقدس (انجیل) از آنها یاد نشده، حیوان حساب می کردند. انگار آنها وجود نداشته اند.

هیتر در قیاس "استیلاگران امریکا" توله سگ بود: در نتیجه هولوکاست سرخپوستان امریکا، همچنین در جریان "جنگهای پانصد ساله" مشهور، ۹۵ میلیون نفر از ۱۱۴ میلیون نفر بومیان قلمرو کنونی ایالات متحده امریکا و کانادا نابود گردید.

ایده اردوگاههای مرگ هیتر حاصل تسلط او به زبان انگلیسی و مطالعه تاریخ ایالات متحده است. او از ایجاد اردوگاههای مرگ برای نگهداری بورها (یکی از قبایل افریقائی) در افریقای جنوبی و برای سرخپوستان در غرب وحشی به وجد می آمد و اغلب در محفل نزدیک به خود اثربخشی نسل کشی جمعیت بومی امریکا، سرخهای وحشی در نتیجه گرسنگی و جنگهای نابرابر را که نمی توانند به اسارت در بیابند و تربیت شوند، مورد تمجید قرار می داد.

اصطلاح ژنوساید (نسل کشی) دارای ریشه لاتینی گنوس به معنای نژاد و ساید به مفهوم کشتار بوده و دقیقاً به معنای نابودسازی یا قتل عام کامل یک قبیله یا ملت است. در فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد با استناد به رفائیل لمکین که اصطلاح ژنوساید را نخستین بار برای توصیف اقدامات نازیها در کشورهای اشغالی اروپا به کار برد، به معنای "نابود کردن عمدی و منظم گروههای قومی یا ملی" آمده است.

ایالات متحده امریکا از تصویب اعلامیه ملل متحد راجع به نسل کشی امتناع کرد. البته، جای شگفتی نیست. بسیاری از اشکال نسل کشی علیه ساکنان بومی امریکای شمالی به اجراء گذاشته شد.

لیست سیاستهای نسل کشی امریکا شامل کشتار انبوه، جنگ بیولوژیک، کوچ اجباری از محل آبا و اجدادی، محرومیت از آزادی، تحمیل ارزشهای متفاوت با ارزشهای بومی، عقیم کردن اجباری زنان محلی با روش جراحی، ممانعت از انجام مناسک مذهبی و غیره می باشد.

حل نهایی

از حل نهایی مسأله سرخپوستان امریکای شمالی به مثابه الگو برای هولوکاست یهودیان و نژادپرستی در افریقای جنوبی استفاده شد. اما چرا بزرگترین هولوکاست از جامعه پنهان می شود؟ آیا نه برای این که چنان طولانی مدت ادامه یافت، که عادی به نظر برسد؟ قابل توجه این است، که اطلاعات مربوط به این هولوکاست عامدانه از پایگاه دانش و شعور جمعیت امریکای شمالی و همه جهان حذف شده است.

به محصلان هنوز هم می آموزند که حریم امریکای شمالی خالی از سکنه بوده است. اما تا مهاجرت اروپائیان در اینجا شهرهای سرخپوستان امریکا توسعه می یافتند. شهر مکسیکو بیش از هر شهر اروپا جمعیت داشت. انسانها سالم و سیر بودند. اروپائیان حیرت می کردند. محصولات کشاورزی تولید شده توسط مردمان بومی در مقیاس بین المللی شهرت داشت.

هولوکاست سرخپوستان امریکای شمالی دهشتناکتر از نژادپرستی در افریقای جنوبی و نسل کشی یهودیان در سالهای جنگ جهانی دوم بود. یادواره آن کو؟ مراسم یادبود آن کجا برگزار می شود؟

امریکای شمالی خلاف المان پس از جنگ از به رسمیت شناختن نسل کشی سرخپوستان خودداری می کند. حاکمیت امریکای شمالی نمی خواهد اعتراف کند که بخش اعظم جمعیت بومی طبق برنامه منظم نابود گردید.

اصطلاح "حل نهایی" از ابداعات نازیها نبود. آن به واسطه دانکن کمبول سکاوت، مدیر اداره امور سرخپوستان، کانادا آدولف آیشمان که در سال ۱۹۱۰ نگران "مسأله سرخپوستان" بود، ابداع شد: "ما می دانیم کودکان سرخپوست در این مدارس تنگ نیروی مقاومت خود در مقابل بیماریهای را از دست می دهند و با سرعت بیشتر از روستای خود می میرند. ولی این به خودی خود نمی تواند مبنای تغییر سیاست اداره ما برای حل نهایی مسأله سرخپوستان باشد".

استعمار اروپائی امریکا زندگی و فرهنگ بومیان امریکا را برای همیشه تغییر داد. در قرون ۱۵-۱۹ شهرهای آنها ویران گردید، ملتها قتل عام شدند یا به بردگی درآمدند.

به نام خدا

مارلن براندو چند صفحه از کتاب شرح حال خود را به نسل کشی سرخپوستان امریکا اختصاص داده است. او می نویسد: "پس از آن که زمینهای آنها را تصرف کردند، جان بدر بردگان را به اردوگاهها راندند، و دولت مبلغان دینی به نزد آنها فرستاد که سعی می کردند آنها را به قبول مسیحیت مجبور نمایند. پس از این که مسأله سرخپوستان توجه مرا جلب کرد، متوجه شدم، که افراد بسیاری آنها را به طور کلی به عنوان انسان نمی شناسند. از ابتداء نیز همینطور بود.

کوئن مادر (Cotton Mather)، مدرس مدرسه عالی هاروارد، دکتر افتخاری دانشگاه گلاسکو، وزیر پاکدینی (وزیر ارشاد)، نویسنده و ناشر پرکار، پژوهشگر مشهور جادوگران سالمی، سرخپوستان را فرزندان شیطان (منحرف) تصور می کرد و قتل وحشیان مشرک (مفسدین فی الارض) را که در مقابل مسیحیت ایستاده اند، خواست خدا می دانست.

در سال ۱۸۶۴ یک سرهنگ ارتش امریکا به نام جان شوینگتن یک روستای سرخپوستان را به زیر آتش توپخانه سنگین گرفت و گفت: به کودکان سرخپوستان نباید رحم کرد، زیرا شپش از تخم برون آید. او به افسران تحت امر خود

دستور داد سرخپوستان را بکشند و گفت این یک حق و وظیفه افتخارآمیز است. و برای کشتن سرخپوستان باید از هر وسیله در زیر آسمان خدا استفاده کرد".

سربازان مهبل زنان سرخپوست را می بریدند و از آنها برای کمان خود روکش درست می کردند، و از رحم و پوست پستان زنان سرخپوست کیسه تنباکو درست می کردند و سپس، این غنایم را به همراه گوشها، بینیهای بریده و سرهای پوستکنده سرخپوستان کشته شده در اپرا -تئاتر دنور به نمایش می گذاشتند. به تمدن سازان متدین، با فرهنگ و متمدن چه باید گفت؟

هر گاه که ایالات متحده آمریکا تصمیم خود را برای متمدن کردن یک ملت غرق در توحش، فاقد معنویت و تمامیتخواه اعلام می کند، نباید فراموش کرد که خود آمریکا را بوی گند گرفته، ابزار مورد استفاده آن را نمی توان متمدنانه نامید و بعید است هدف از آن منافع خودش نباشد.

پینوشت مترجم به این سند تکانهنده

تمامی حاکمیت‌های امپریالیسم ایالات متحده آمریکا جنایات خارج از تصور بشری اسلاف برده دار، فئودال و سرمایه دار متدین، "با فرهنگ" و "متمدن" خود علیه سرخپوستان امریکای شمالی، نسل کشی کامل آنها را کماکان به انحاء و اشکال مختلف -از طریق جنگ و تروریسم دولتی و کودتا، جنگهای نیابتی، به شکل محاصره و تروریسم اقتصادی علیه کل بشریت جهان همواره ادامه داده و می دهند. کشتارهای میلیونی مردم کوریا، کامبوج، ویتنام، جاپان... یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، سومالی... فقط چند نمونه است. علت وجودی قریب به هزار پایگاه نظامی -تروریستی آمریکا در بیش از ۱۵۰ کشور جهان همین هدف شوم است.

امپریالیسم، تضاد اصلی و عمده دوران ماست و ایالات متحده آمریکا سرکرده امپریالیسم جهانی را همه باید به عنوان خطر اصلی بشناسند، همه! نسل اندر نسل تمام بشریت، به ویژه، دوستان آمریکا و علاقه مندان به شیوه زندگی و دموکراسی و حقوق بشر امریکائی! بدون این شناخت، بدون دفع خطر آمریکا توسعه، ترقی، اعتلا و آزادی امکانپذیر نیست. حوادث کودتائی اخیر در ونزوئلا، بولیوی، لبنان، عراق و ... گواه است.

منابع:

<http://ecology.md/page/kak-unichtozhali-indejcev-postrashnee-ljubogo-massovogo-genocida>

<https://eb1384.wordpress.com/2019/11/26/>

۵ آذر قوس ۱۳۹۸

--